

## اسلام حقیقی پیروی از قرآن و هجرت است

هما نظور که در شماره قبل مذکور شدیم ، مدعیان ما در این بحث دو چیز است :  
۱ - مقام خلافت و جانشینی پیامبر اسلام منحصر بشخص علی (ع) نیست بلکه غیر از او یازده نفر دیگر از اولاد او نیز به ترتیبی که ذکر شد دارای این منصب هستند .

۲ - آنکه طریقه و روش خاصی که از آنها در فهم قرآن و استخراج فروع فقهی و سنن اسلامی و کلیه مسائل مربوط با اسلام بما رسیده راه حق و طریق استواری است که حتماً باید پیروی از آن بشود .

### بازگشت به حدیث ثقلین و تحقیق معنای آن

یکی از چیزهایی که ما هر کسی را که طالب حق و حقیقت اسلام باشد باین دو مطلب هدایت و راهنمایی میکنند ما حدیث ثقلین و داستان غدیر خم است . با توجه به **فأدبایا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالتہ واللہ یعصمک من الناس** : (ای پیامبر برسان آنچه را بر تو نازل شده که اگر ابلاغ نکنی وظیفه رسالت را انجام نداده‌ای و خداوند ترا از (آسیب) مردم نگهداری میکند ، که در غدیر خم بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد جای پرسش است که پیغمبر در مقابل این امر خدائی که با این تأکید و تهدید صادر شده و از سوق جملات آیه مخصوصاً **واللہ یعصمک من الناس** استفاده میشود که حضرت از انجام آن کاملاً خائف و بیمناک بوده که مبادا با مخالفت شدید مردم روبرو شود ، بالاخره چه کرد ؟ آیا این فرمان را امثال کرد و عکس العملی از خود نشان داد ؟ یا نادیده و نشنیده انگاشت ؟ و اساساً آن فرمان چه بود و پیغمبر پس از نازل شدن این آیه چه کرد که بفاصله کمی در همانجا **الیوم اکملت لکم دینکم** نازل شد ؟ آیا در پاسخ این پرسشها چه باید گفت ؟

## تعصب و عادت!

اینجا است که باید مغز را از هر گونه تعصب بی جا خالی نمود . بلکه از آنچه طبیعت اجتماعی بر وجدان فردی و فطرت اولیه انسان تحمیل کرده نیز بر کنار شده ویمی از حمله و نکوهش اجتماعی در فهم و پیروی از حقیقت نداشت . می بینید اگر کسی در وضع پوشیدن لباس و حفظ آداب ؛ رعایت رسوم و عادات را ننماید کسی او را تنبیه و مجازات نخواهد کرد ولی همان خنده و استهزای سایرین سرانجام او را بر رعایت این رسوم و آداب خواهد نمود . کسی مجبور نیست که با همه شهری های خود بزبان ایشان گفتگو کند و یا برای رفع حوائج روزانه پول رایج کشور را بکاربرد ولی بحسب عادت و برای سهولت امر جز این هم نخواهد کرد . عقاید و آداب هم که پیرو یک مذهب معتقد است و انجام میدهد گاه اتفاق می افتد که از این قبیل باشد . اینها و صدها موردی که در اعمال و افکار انسان جلوه گرمی شود، در عین اینکه برضا و رغبت انجام میدهند و با آنها می گرد و با بد اجبر و فشاری احساس نمی کند خاصیت اجتماع و محیط است و از خارج باو تحمیل شده و زائیده فطرت اولیه و وجدان او نیست و کوچکترین ارتباطی هم با مذهبی که بنای پیروی از آنرا داشته است ندارد .

## تحقیق و رسیدگی

بنا بر این لازم است بر هر فردی که در دین و مذهبی که پیرو آنست تحقیق کند و عمری را بتقلید از دیگران و محکومیت محیط و اجتماع بر گذار نکند و بدون تحقیق رویه خود را درست و مذهب خود را صحیح نداند . **قل هل ننبئکم بالآخسرین اعمالا الذین ضل سعبهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا** (بگو: آیا خبر ندیم شما را یکسانیکه در کردار از همه زیانکار ترند؟ آنها کسانی که کوشش و سعی شان بحال گمراهی است و فکرمی کنند رفتارشان نیکو است) خلاصه همان طور که یک قاضی عادل و با وجدانی که در محکمه قضاوت جز به ادله و مدارک طرفین دعوی بچیز دیگر توجه ندارد و به مقتضای آن حکم قطعی میدهد ، هر چند بر ضرر برادر و بنفع دشمن او باشد بر هر فرد مسلمان هم لازم است که در بحث عقاید به نظر تحقیق بنگرد و در کمال عدالت داوری نماید، نه آنکه

عقاید خود را اصلی محکم پنداشته و دلیل را با آن تطبیق کند .  
 باری، پیغمبر در مقابل فرمانیکه از خداوند در کمال تأکید صادر شد که  
 (برسان ب مردم آنچه بتو نازل شده) تا زمان نازل شدن آیه **الیوم اکملت لکم**  
**دینکم** در این فاصله زمانی چه کرد و چه گفت؟ بطور اختصار در شماره اول در  
 تحت عنوان (داستان غدیر) بیان شده، چیزیکه قابل ملاحظه و توجه است همانا  
 سخنان و جملاتی است که علمای تاریخ و تفسیر از شیعه و سنی از آنحضرت نقل  
 کرده اند که در این فاصله زمانی میان انبوه جمعیت بیان نموده است .

### خلاصه گفتار پیغمبر اکرم (ص)

گفته های آنحضرت را بطور خلاصه می توان به سه بخش تقسیم کرد :

- ۱- سخنانی که تا بحال از آنحضرت نشنیده بودند و تا آن موقع سابقه  
 نداشت : قرائت دو آیه ، خبر از مرگ خود و جدائش از مردم ، اشاره مختصری  
 به پندارهای مردم و کیفیت رفتار آنها بعد از خود که این جهت اخیر از براءت  
 استهلالی که در خطبه بکار برده شده مستفاد میشود .
- ۲- مطالبی که جنبه تذکر و یاد آوری داشت : پرسش از تبلیغ رسالت،  
 یگانگی خدا ، پیغمبری خود ، بهشت ، دوزخ ، رستاخیز ، پاداش کارها .
- ۳- مطالبی که نیز از هر جهت برای عموم جمعیت تازه گی داشت (گرچه  
 خواص اصحاب قبل از پیغمبر موقعیت عنرت بخصوص علی علیه السلام را شنیده  
 بودند) : همدوش قرار دادن کتاب خدا قرآن را با عنقرت ، این دو تار و رستاخیز  
 از هم جدانمی شوند ، کنار حوض کوثر برهن وارد می شوند ، پیشی بر این دو  
 نگیرید و از آنها جدا نشوید که هلاک خواهید شد ، بالا بردن علی را بروی دست  
 و معرفی او باینکه هر کس را که من اولی بتصرفم باو، علی هم مولی و اولی بتصرف  
 در اوست ، تکرار کردن این جمله را سه بار ، دعا کردن در باره دوستان علی (ع)  
 و نفرین در باره دشمنانش ، علی و حور آسیای دین و حق است ، سفارش بکسانیکه  
 حاضر بودند که واقعه این روز را با آنها نیکه حاضر نبوده اند برسانند .

### نتیجه !

از مجموع این سه بخش بطور وضوح چند مطلب را می توان استنتاج کرد .

۱- پیش‌بینی آتیه حوزه اسلامی و بیان سرنوشت و وظیفه مردم مسلمان که رهبر حقیقی آنها قرآن و عترت است . و این همان چیزی است که پیغمبر مأمور ابلاغ آن بوده است . چون بحکم قانون محاوره اگر متعلق و مورد امر در اصل خطاب مبهم بود و فعلی از مأمور در مقام امثال انجام گرفت با آن رفع ابهام از متعلق امر میشود .

۲- بمقتضای گفته آنحضرت که فرمود: «از عترت و قرآن جدا نشوید که هلاک خواهید شد» ، و اگر تمسک بآنها کنید و پیروی آنها را بنمائید هرگز گمراه نخواهید شد . راه هدایت و ارشاد ؛ و نجات از نابودی و گمراهی ، منحصر بهمین طریق یعنی پیروی از قرآن و عترت میباشد . چنانچه دعای آنحضرت در باره دوستان علی و فرزند او در باره دشمنانش ، و اینکه علی محور آسیای دین است ، نیز این مطلب را تأیید و تأکید نماید . کما اینکه از صریح آیه شریفه **الیوم اکملت لکم دینکم** (۱) و زدن شمارا تکمیل کردم و اسلام را از برای شما پسندیدم) نیز معلوم میشود که این دین آسمانی تا قبل از تعیین سرنوشت آتیه آن و بدون نصب خلیفه پیغمبر (ص) پسندیده و مرضی خدا نبوده ، تکمیل و اتمام آن از نظر تبلیغ که وظیفه پیغمبر بوده ، به بیان و تعیین عترت به مقام رهبری امت انجام گرفته است . و اتمام عملی آن در میان مسلمانان هم وقتی است که پیروی از قرآن و عترت بشود .

۳- بکار بردن کلمه عترت که به معنای فرزندان و اخص اقارب است و آنرا قرین قرآن قرار دادن و شخص علی را به جمعیت معرفی کردن هم ما را باین نکته هدایت میکند که مقصود بیان فردی از عترت بوده و این منصب منحصر بشخص او نبوده است ، و گرنه بجای کلمه عترت لفظ علی را بکار می‌برد تا اینجا معلوم شد که به مقتضای حدیث ثقلین مذهب حق و واجب الاتباع کدام است ، وزعامت کبرای اسلام منحصر به عترت پیغمبر میباشد که علی هم یکفرد از آنهاست .

(نا تمام)